

نگاهی به نسخه خطی «بشارة النبوة»

عصمت مومنی* و مریم صف آرا*

چکیده

حزین لاهیجی (محمد علی پسر ابوطالب - ۱۱۸۱-۱۱۰۳ ه.ق)، از دانشوران و ادیبان و هنرمندان بزرگ ایرانی در یکی از شوریده رنگ‌ترین روزگاران این بوم و بر است؛ از کسانی است که چراغ فضل و فضیلت را در سموم بی‌تمیزی‌ها و تندباد حوادث گوناگون در پناه گرفتند و فروزان نگاه داشتند. اغلب اهل فضل در ایران، حزین را یکی از شاعران سبک هندی می‌دانند. البته حزین شاعر بوده است، ولی شاعری، یکی از جوانب چندگانه شخصیت فرهنگی اوست. حزین را به‌حق باید دانشمندی مُتَضَلِّع و ذوفنون خواند و مهمتر از آن، دانائی بینش‌مند قَلَم‌داد کرد.

نسخه حاضر معرفی نسخه‌ایست در تبیین اثبات خاتمیت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و نیز در چگونگی تحصیل علم به‌صدق مدعی نبوت با براهین قاطع و دلایل واضح تقریر یافته است.

مقدمه

حزین مدت مدیدی را در هندوستان سپری ساخته و دل غربت‌زده و غمگین خود را با توسل به حضرت خاتم‌الانبیاء و ستایش ولی‌الاولیا تسکین می‌داده و مفتخر و مغرور بوده که در بتکده سومات هم مدح پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را می‌سروده

* دانشجوی دکتری کتابداری و علوم اطلاع‌رسانی دانشگاه دهلی، دهلی.

• دانشجوی دکتری روانشناسی بالینی دانشگاه دهلی، دهلی.

است. او نه تنها بر زبان فارسی بلکه به زبان و ادب عربی هم مسلط بوده و در دیوان او اشعاری به زبان عربی دیده می‌شود. حزین لاهیجی ظاهراً به دلیل گرفتاریهای زمانه و سرنوشت خاصی که داشته است، به سوی هند می‌رود شاید او نخستین کسی باشد که

از وضع ناهموار و سخت ایران به ستوه آمده و آرزو می‌کرده است که اصلاحاتی به شیوه اروپائیان در کشور خویش انجام دهد و خود بصراحت در این باره اظهار می‌دارد که در ایران، کسی که بتواند اوضاع را سامانی ببخشد وجود ندارد مگر اینکه از مردم فرنگ که در قوانین و طرق معاش و ضبط اوضاع خویش استوارند کسی بتواند این آشفتگی را نظام بخشد.

از دیگر نکته‌های قابل توجه در زندگی

حزین کوششی است که او برای آشنایی و شناخت دیگر مذاهب از منابع اصلی آنها انجام داده است از کسانی است که خود صاحب اندیشه و تحلیل ویژه‌اند و ذهن و زبانشان تنها از مُرده ریگ اسلاف نامدار گرانبار نشده. وی، به تعبیر یکی از پژوهندگان معاصر، واجد «استقلال فکری و ذوقی» است؛ و این استقلال در عصری که تاریخ فکر و فرهنگ در سراسر جُمود و خُمود افتاده، بسیار گرانبهاست.

نگاهی به گزارش دانش‌اندوزی‌ها و فهرست مشایخ علمی وی نشان می‌دهد که از بُن در تحصیلات او هم جنبه تحصیلات کلامی و فلسفی از امتیاز ویژه‌ای برخوردار بوده و آشکارا دست کم چندان که گزارش‌ها فرامی‌نماید نسبت به پاره‌ای از دیگر دانشها، در فلسفه و کلام تحصیلات شاخص‌تری کرده است. شیخ حزین متصوّف نیز هست، و در نظر به شخصیت حکمی و کلامی او، بناگزی جنبه صوفیانه این شخصیت را نیز که در آثار و اشعار وی و گزارش‌هایی که از احوال خود به دست می‌دهد.

شعر حزین لاهیجی، تابلویی را ماند که در آن خورشید مفاهیم عرفانی، بر گلشن آراسته به گل‌های هنری، به روشنی و سادگی می‌تابد و در ذهن، شور و عشق سبک عراقی را در جامه آرایشهای سخنوری به شیوه هنری و با سادگی سبک خراسانی تداعی

شیخ حزین لاهیجی که به اعتقاد سخن‌شناسان در شیوه تازه خود مرتبه‌ای ارجمند دارد، در قیاس با دیگر استادان متقدم، به دیوان لسان‌الغیب و معانی و مضامین و اوزان و قوافی او بیشترین توجه را داشته است.

می‌کند. بدین سبب، نقش تعدیل‌کننده سبک هندی را دارد که در بردارنده عناصر ادبی این سبک و نهضت بازگشت ادبی است. اگر گسترده‌تر بنگریم، اشعار او مجمع سبک‌های مختلف است، یعنی روانی سبک خراسانی، مضمون‌های عشقی و عرفانی سبک عراقی، تمثیل سبک هندی را در خود دارد و کمابیش به شیوه اغلب شاعران پیش از خود، طبع آزمائی نموده و از میان قالب‌های غزل، قصیده، مثنوی، رباعی و قطعه، در غزلسرائی، چه از دید لفظ و چه معنا و مضمون، توفیق بیشتری داشته است. حزین در بسیاری از غزل‌هایش یا به استقبال شاعران بزرگی چون سنائی، مولوی، حافظ، فروغی، بسطامی، صائب و... رفته یا شعر آنان را جواب گفته است. این نیز از ویژگی‌های شاعران دوره بینابین سبک هندی و دوره بازگشت ادبی است، بنابراین می‌توانیم حزین را کاملاً پیرو سبک هندی ندانیم.

شیخ حزین لاهیجی که به اعتقاد سخن‌شناسان در شیوه تازه خود مرتبه‌ای ارجمند دارد، در قیاس با دیگر استادان متقدم، به دیوان لسان‌الغیب و معانی و مضامین و اوزان و قوافی او بیشترین توجه را داشته است. نگاهی اجمالی به فهرست غزلیات دیوان او، گستره این تأثیر و توجه را نشان می‌دهد. حوزه تأثیر حزین از حافظ به استقبال او از اوزان و قوافی محدود نمانده است بلکه شمار دیگر از غزلیات او با حفظ وزن و ردیف و با تغییر قافیه در همان شیوه حافظ سروده شده است. عمده‌ترین معانی و مضامین خواجه در سراسر دیوان شیخ به گونه‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است که از میان آنها می‌توان نقد صوفی، شیخ، زاهد و محتسب و ستیز با ریا و تزویر و تقابلهای خاص حافظ میان خانقاه و خرابات و صومعه و میکده و مانند آنها که سکه تمام عیارش در شعر فارسی بنام خواجه مزین است، اشاره کرد. شیخ این معانی و مضامین را گاه با عین الفاظ خواجه و گاه با اندک تغییر در غزل‌های خویش به کار برده است.

وی در قصیده سرایی خود را همپایه شاعران بزرگ همچون عنصری و نظامی و انوری و سعدی و حافظ و سلمان ساوجی و کمال‌الدین اصفهانی می‌داند و در ستایش خاندان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مهیار دیلمی شاعر عرب را از هم ردیفان خود برمی‌شمارد و متذکر می‌گردد که از برکت سخن این شاعران، نام شاهان و سلاطین و حامیان و مشوقان آنان بر صفحه روزگار جاوید مانده است.

- تألیفات حکیم لاهیجی در موضوعات مختلف از تنوع بسیار برخوردار است. مصنفات وی به ترتیب حروف الفبا عبارتند از:
۱. **آینه حکمت** (فارسی): در حقیقت حکمیت و آشتی دهنده حکمت و شریعت اسلام است.
 ۲. **ابطال التناسخ** با سه برهان.
 ۳. **اصول دین معروف به اصول خمس** (فارسی): اصول دین را در پنج فصل (۱ توحید ۲ عدل ۳ نبوت ۴ امامت ۵ معاد) بیان کرده است.
 ۴. **الفة الفرقة في الكلام الحكمة** (عربی): در آشتی دادن میان حکمت و شریعت و سازش میان مسائل فلسفی و اخبار شیعی و قرآن، در دوازده فصل.
 ۵. **تحفة المسافر**: این کتاب تلخیص کتاب «جمال الصالحین» خود مؤلف است.
 ۶. **تزکیة الصحبة** یا تألیف المحبة (فارسی): ترجمه‌ای است از کتاب «کشف الریبه عن احکام الغیبة» تألیف شهید ثانی در یک مقدمه و ده فصل.
 ۷. **تقیه**: شاگرد او شیخ محمد علی حزین در سوانح خود از این کتاب نام برده، ولی نسخه‌ای از آن پیدا نشد.^۱
 ۸. **جمال الصالحین**: در دعا و زیارات، شامل دیباچه و دوازده باب مشتمل بر یکصد و سی و دو فصل. این کتاب به طبع رسیده و نسخ خطی آن فراوان است.
 ۹. **جواب الاعتراض**: این کتاب همان (در مکنون) است که در الذریعه ۵/۱۷۳ با این عنوان ذکر شده است.
 ۱۰. **حقیقة النفس** یا رساله در تجرد نفس ناطقه یا النفس الناطقه (عربی): در رد گفتار کسانی که تجرد نفس را نفی می‌کند و رد ادله آنها و اثبات تجرد نفس. این رساله با عنوانهای مختلف در فهارس ذکر شده است.
 ۱۱. **حاشیه بر وافی فیض کاشانی**: در الذریعه ۶/۲۲۹ از آن نام برده شده، اما نسخه‌ای از آن به دست نیامد.

۱. رک: الذریعه ۴/۴۰۴؛ نجوم السماء ص ۱۸۴؛ سوانح حزین، مندرج در اول دیوان حزین، ص ۱۶.

۱۲. در مکنون (فارسی): در ردّ اعتراض بر شیعه مبنی بر آنکه اگر حضرت علی^(ع) به سبب یار و انصار قیام نکرد پس چرا امام حسین^(ع) چنین کرد. این کتاب در الذریعه ۵/۱۷۳ با عنوان «جواب الاعتراض» ذکر شده است.
۱۳. رساله فی بعض مسائل الغیبه: در ریاض العلماء از آن نام برده شده است.
۱۴. روائع الكلم و بدایع الحکم (عربی): مؤلف مباحث و مسائل فلسفه را پس از یک مقدمه، در سه باب و در چندین مقصد با عنوان (مشکوّه) بیان کرده است. گویا آن را در سال ۱۱۱۰ هجری تألیف نموده است.^۱
۱۵. زکاة: مرحوم آغابزرگ در الذریعه ۱۱/۱۹۷ از آن نام برده و فرموده که به فارسی است و دارای هفت فصل است.
۱۶. زواهر الحکم (عربی): شامل مسائل فلسفه، در یک مقدمه و سه مقصد و سه باب، هر کدام دارای چند مطلب.
۱۷. سرّ مخزون (فارسی)، مسأله رجعت و بازگشت مردگان در این جهان در یک مقدمه و چهار فصل (۱- اثبات وقوع رجعت؛ ۲- کدام جماعت رجعت می کنند؛ ۳- مدت دولت اهل رجعت و ۴- کیفیت رجعت) مورد بررسی و اثبات قرار گرفته است.
۱۸. سوالات یورد لبطلان الحکمة و جوابان شافیة اوردها اهل الحکمة (فارسی): دو پرسش است در دفاع از فلسفه، که در ضمن مجموعه ش ۷۶۹۸ دانشگاه تهران در دو صفحه قرار دارد و فهرست نوشته گویا از حسن بن عبدالرزاق لاهیجی باشد.^۲ چون به اصل نوشته دسترسی نبود، بررسی آن ممکن نشد ولی به احتمال زیاد قسمتی از فصل اول «آیینة حکمت» مؤلف می باشد که در آن چند سؤال علیه فلسفه را مطرح و جواب داده است.
۱۹. شرح صحیفه سجادیه: در الذریعه ۱۳/۳۴۹ از آن نام برده و گفته که در سه جلد قطور است ولی به پایان نرسیده.

۱. الذریعه ۱۱/۲۵۹.

۲. فهرست دانشگاه تهران ۱۶/۶۷۵.

۲۰. شمع یقین یا آئینه دین (فارسی): مسائل اعتقادی را در پنج باب بیان کرده است. این کتاب در سال ۱۳۰۳ هـ ش در تهران به طبع رسیده و نسخ خطی آن فراوان است.
۲۱. فهرس ابواب قطعة من الوافی: مرحوم آغابزرگ در الذریعه ۱۶/۳۹۹ از آن نام برده و گفته که فهرست زیبایی است بر قسمتی از ابواب وافی فیض کاشانی، شوهرخاله مؤلف.
۲۲. قدم و حدوث عالم. در مجموعه ش[۵۸۱۱] دانشکده الهیات تهران، این بخش در فصل پنجم از کتاب (آئینه حکمت) مؤلف ذکر شده. فهرست نگار گمان کرده که این رساله مستقلی است و آن را با این عنوان ذکر کرده و مرحوم آغابزرگ آن را به نقل از فهرست دانشکده در الذریعه ذکر نموده است. رک: فهرست دانشکده الهیات تهران، ص ۱۱۰؛ الذریعه ۱۷/۵۱.
۲۳. مصباح الدرایه: آغابزرگ در الذریعه ۲۱/۱۰۶ آن را ذکر نموده و گفته که موضوع آن در حکمت می باشد و مؤلف در کتاب «مصباح الهدی» به آن ارجاع داده است. نسخه ای از آن شناسایی نگردید.
۲۴. مصابیح الهدی و مفاتیح المنی (عربی): مسائل فلسفه در یک مقدمه و سه باب با عناوین «مصباح» بیان شده است.
۲۵. هدیه المسافر (فارسی): مؤلف وظایف مسافر را در مورد اقسام سفر و اقسام قصر و اتمام و احکام متعلق به نماز و روزه در چهار فصل بیان نموده است.

معرفی نسخه

یکی از راه های شناسائی پیامبران، گواهی پیامبران پیشین در مورد نبی بعدی است. هرگاه پیامبری که نبوت او با دلایل قطعی ثابت شود، در گفتار یا کتاب آسمانی خود، که انتساب آنها به وی نیز قطعی باشد، با صراحت و قاطعیت کامل، علائم و مشخصات پیامبر آینده را بیان کند و تمام آن علائم و نشانها بدون کم و زیاد، با مدعی نبوت تطبیق نماید، در این صورت تصریح قاطع وی، موجب حصول علم به صدق گفتار مدعی نبوت بعدی می شود.

نبوت پیامبر اسلام علاوه بر اینکه با دلایل قطعی و روشن ثابت گردیده است، در کتاب‌های پیامبران پیشین نیز، بر نبوت وی تصریح و نام و خصوصیات او در کتب «عهدین» مشخص شده است و این مسئله، یعنی بشارتی که تورات و انجیل درباره پیامبر اسلام^(ص) داده است. گروهی از فضلا و علما کلیه بشارات این دو کتاب را درباره آخرین پیامبر از موارد مختلف آنها گردآوری کرده و از این طریق، خدمت شایان تقدیری به اسلام و مسلمانان انجام داده‌اند.

نسخه حاضر^۱ با عنوان «بشارة النبوة» از شیخ محمد حزین لاهیجی (۱۱۰۳-۱۱۸۱ هـ) با خط نستعلیق خوش، ۱۳ برگ، ۱۸ سطر به زبان فارسی و با اوراق الوان مزین به گل برگهای رنگین به سنگرف و لاجورد با سربندهای اشاره و بشاره به سنگرف به تاریخ صفر ۱۱۴۰ هجری در شهر لاهور کتابت شده است. مشتمل بر سه اشاره و هر اشاره دارای چند بشارت و ختام، در بیان اثبات نبوت نبی، خاتم الانبیا محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است:

”چندین موضع از اشارات و بشارات متکثره که در توریه و انجیل اربعه و سایر کتب اهل کتاب وارد شده و هر یک شاهدی واضح است بر نبوت آن حضرت صلی الله علیه و آله و هیچ‌گونه ایشان را انکار آن متصور نیست.“ (برگ ۳)

آغاز: بسمله، الحمد لله الذی هدانا لایمان و ارشدنا خیرالادیان والصلوة علی سید الانس و الجن حبیب الله و صغیه محمد و آله امنا الرّحمٰن اما بعد بدانکه عقل مجبول و مفطورست و از بدو خلقت نوع انسان...

انجام: ... و سمیت الرساله بشارة النبوة جعلها الله وسیله شفاعه... ربنا اجعل خاتمه أمورنا.

در ذیل نسخه خطوطی مورب به خط شکسته نستعلیق در باب احکام وضو و استفتائات مربوط به آن آمده است.

اشاره اولی در ذکر بعضی بشارات که در توریه وارد شده والحال موجود و مسلم احبار یهودیست. مشتمل بر پنج بشارت به شرح ذیل است:

۱. اصل نسخه در مرکز بین‌المللی میکروفیلم نور، هندوستان، دهلی نو نگهداری می‌شود.

- ۱- **بشاره:** «بعد از ذکر قصه مهاجرت هاجر و ابراهیم علیه السلام و انداختن اسمعیل به زیر درخت و گریستن او مذکور است... فرشته به هاجر گفت ای هاجر بیم مدار... پس برخیز... برستی که ساختن او را برای امتی که بزرگست...» (برگ ۴).
- ۲- **بشاره:** «ایضا در توریه مذکورست بعد از ذکر مفارقت هاجر از ابراهیم علیه السلام و ساره... که ابراهیم هاجر و اسمعیل را دور نمود از خود... من می‌کنم پسر کنیزک را برای گروه عظیم برای آنکه خلف توست انتهی...» (برگ ۴).
- ۳- **بشاره:** «ایضا در توریه واردست... تجلی الله من سینا و اشراق من ساعیر واستعلن من جبال فاران...» (برگ ۵).
- ۴- **بشاره:** هم در توریه خطاب به موسی ارباب اهل رجفه و عموم بنی اسرائیل می‌فرماید: پس از این برانگیزم برای ایشان پیغمبری مثل تو از برادران ایشان و قرار دهم کلام خود را در دهان او...» (برگ ۶).
- ۵- **بشاره:** «در موضع دیگر مذکور است... برکت دادم و بسار گردانیدم او را و پس از این زاده شود از او دوازده بزرگ. عطا کنم او را گروهی جلیل...» (برگ ۷).
- اشاره ثانیه:** در ذکر بشاراتی که در انجیل وارد و مسلم علمای نصاری است و مشتمل بر چهار بشارت است.
- ۱- **بشاره:** «از آنجمله مذکور است از مقاله عیسوی... رفتن من نیکوتر است برای شما بدان سبب که اگر من نمی‌روم نمی‌آید به سوی شما فارقلیط...»^۱ (برگ ۷).
- مراد به بشارت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله است.
- ۲- **بشاره:** «هم در انجیل مسطور و مقاله عیسویست... اگر بپذیرد مرا باید بیاد دارید وصیت مرا و من می‌خواهم از پدر خود که به شما عطا کند فارقلیط...»^۲ (برگ ۸)
- ۳- **بشاره:** «هم مسطورست... چون یحیی اصحاب خود را فرستاد نزد مسیح و پرسید که آیا توئی آن موعود و یا غیرتو را منتظر باشیم... اگر خواهید باور کنید برستی که ایل خواهد آمد...» (برگ ۸).

۱۱. انجیل یوحنا باب ۱۴ جمله ۱۵-۱۶، چاپ لندن ۱۸۳۷ م.

۱۲. انجیل یوحنا باب ۱۵ جمله ۲۶.

مراد از آمدن حق تعالی آمدن وحی و کتاب و رسولست.

۴- **بشاره:** «ایضا مسطورست که فرموده فارقلیط روح القدس است که خدای من می فرستد او را به نام من به شما تعلیم کند هر چیز... مراد از اینکه فرموده می فرستند او را بنام من رسالت یعنی او را مثل من برسالت می فرستند...»^۱ (برگ ۸).

اشارهٔ ثالثه در ذکر چند بشارت دیگر از سایر کتب و شامل هفت بشارت است.

۱- **بشاره:** «در ترجمه‌های معتبر نصاری که مزامیر داود علیه‌السلام دیده شده آنچه مضمون آن این است ای خدا بفرست صاحب راه و جاعل سنت را تا اینکه اعلام کند مردم را که او بشرست انتهی...» (برگ ۸).

۲- **بشاره:** «ایضا در زبور مسطورست که آنچه ترجمه‌اش این است... براستی که روشنی و سپاس تو عالیت و سوار شو بر کلمه حق... و امتهای بر رو درافتند در تحت فرمان تو انتهی...» (برگ ۹).

۳- **بشاره:** «هم در مزامیر داود علیه‌السلام است که ترجمه آن این است، چون برخیز بگذرد از دریا تا دریا و از نهرها تا آخر... همه امتهای اطاعت او کنند برای آنکه او نجات دهد مغلوب ضعیف فقیر را از آنکه قویتر از او...» (برگ ۹).

۴- **بشاره:** «در کتاب شعیا در ذیل کلام او مذکور... برخیز بطناز و نظر کن تا چه می بینی... دو سوار از پیش می آیند...» (برگ ۹).

صراحت این بشارت به مسیح علیه‌السلام و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ظاهراً است.

۵- **بشاره:** «هم در کتاب شعیا مذکور است آنچه ترجمه آن این است بنده من که از او خوشنودم فرو فرستادم باو وحی...» (برگ ۹).

۶- **بشاره:** «ایضا در کتاب شعیاست براستی که برافروزم برای اهل زمین نشانی را که بخوانند... شتابان آیند انتهی...» (برگ ۱۰).

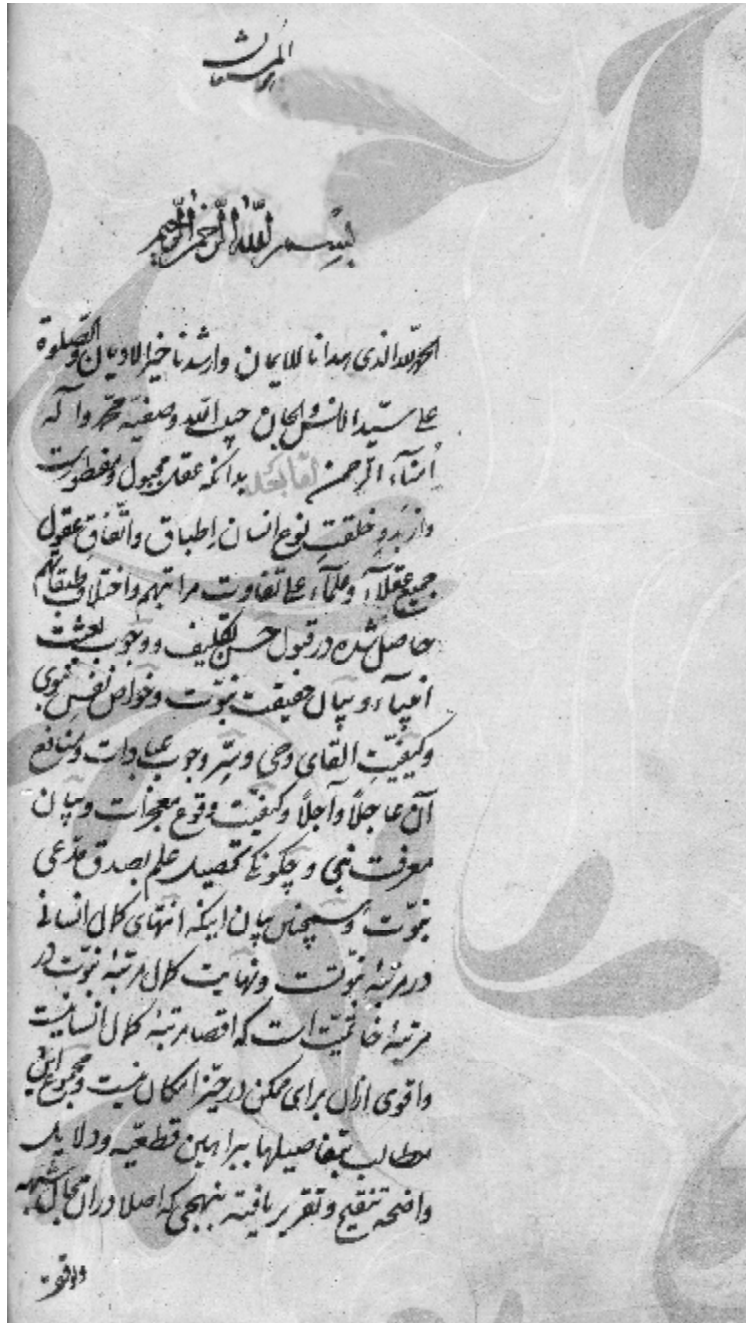
۱. انجیل یوحنا، باب ۱۴، جمله ۲۵-۲۶، چاپ لندن، ۱۸۳۷ م.

۷- **بشاره:** «در اخبار يهود دیده شد... از کلام شمعون علیه السلام ... جاتر الله بالبيان من جبال فاران و امتلات السموات. الارض من تسبيحه و تسبيح امته...» (برگ ۱۰).

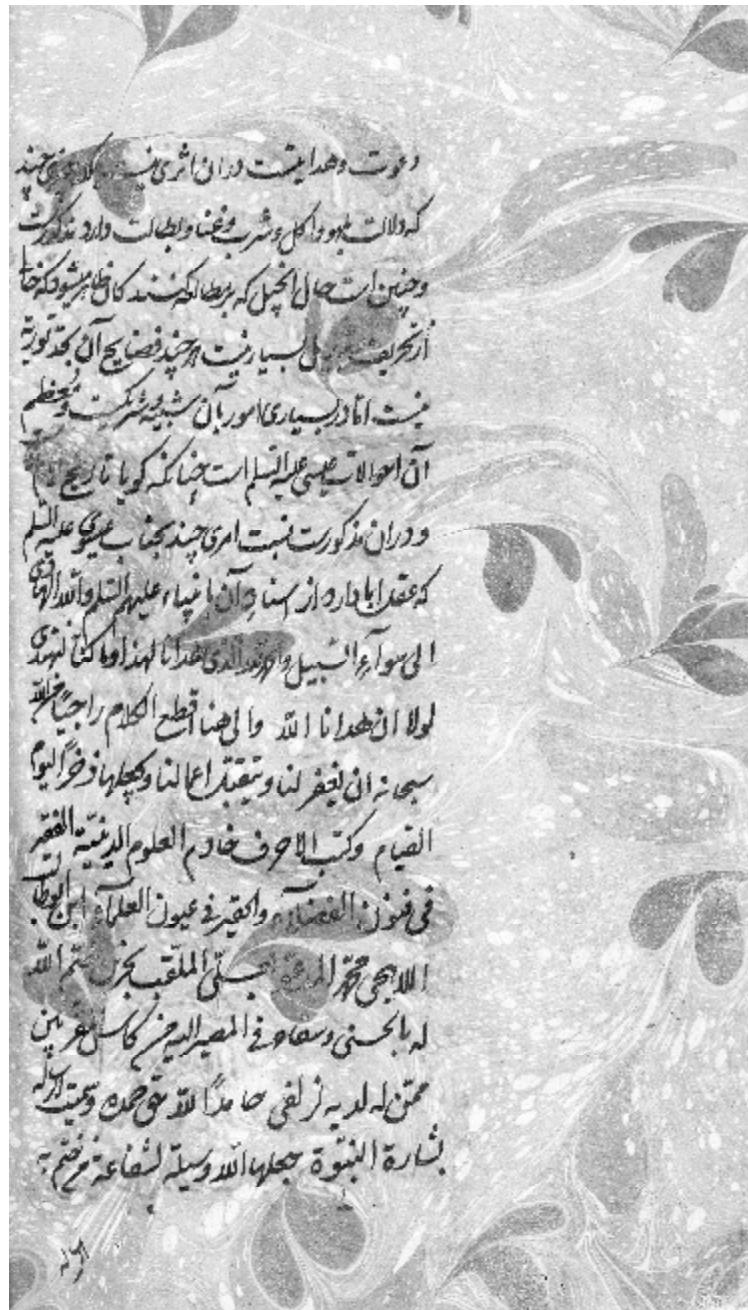
و ختام: «بدانکه اهل کتاب چنانست که قرآن حکیم از آن حاکیست. یکنمون الحق و هم یعلمون و یحرفون الکلم عن مواضعه... و نحن نقص علیک بناهم بالحق...» (برگ ۱۱-۱۰).

منابع

۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی (۱۳۳۴)، تذکرة المعاصرين، چاپ اصفهان.
۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی (۱۳۷۵)، تاریخ و سفرنامه حزین، تحلیل و تصحیح علی دوانی، چاپ دوانی.
۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی، دیوان، مقدمه و تصحیح بیژن ترقی، چاپ دوم، خیتام.
۴. راستگو، سید محمد (۱۳۷۶)، شاعری در هجوم منتقدان، مجله آینه پژوهش، شماره ۴۳.
۵. سالک، معصومه (۱۳۷۴)، کتابشناسی حزین لاهیجی، میراث مکتوب، نشر سایه، تهران.
۶. محقق، مهدی (۱۳۷۶)، نکات کلامی در شعر حزین لاهیجی، مجله کلام اسلامی، شماره ۲۳.
۷. مشیدی، جلیل (۱۳۸۱)، نگاهی به سبک غزلیات حزین لاهیجی، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی؛ شماره ۱.
۸. ناصح، محمد مهدی (۱۳۷۵)، شعر حزین لاهیجی صاحب کتاب تنبیه الغافلین، مجله آینه پژوهش، شماره ۳۸.
۹. هدایت طبرستانی، رضا قلی خان ولد آقا هادی (م: ۱۲۸۸ هـ)، (۱۳۰۵ ش)، ریاض العارفين (تألیف: ۱۲۶۰ هـ/ ۱۸۴۴ م)، چاپ تهران.
۱۰. واله داغستانی، علی قلی خان (۱۳۸۰)، ریاض الشعراء، مقدمه و تصحیح شریف حسین قاسمی، کتابخانه رضا رامپور.



عکس آغاز نسخه خطی بشارة النبوة



عکس قبل از انجام نسخه خطی بشارة النبوة



عكس انجم نسخه خطى بشاره النبوة